

ادامه از صفحه اول

آمریکا، کره شمالی و ایران

توضیح:؛ واقعا جا ندارد که تا این حد فوری چنین برداشت سریعی از چنین حرکت بی پایه و اساس و فکرنشده‌ای صورت گیرد و شانی برای آن دیده شود. این می‌تواند ناشی از بی‌توجهی به سوابق حدودا ۳۰ ساله این بحران باشد. کره‌شمالی برنامه‌های بسیار پیشرفته هسته‌ای، موشکی و شیمیایی دارد، متهم است که در پی صادرات تکنولوژی‌های مربوطه است، متهم است که تهدید متعارف و هسته‌ای شدیدی علیه کره‌جنوبی و ژاپن است. متهم به نقض فاحش حقوق بشر است و... . حال چطور کسی مثل ترامپ که برجام را فاجعه و بدترین توافق تاریخ می‌داند، می‌تواند با یک ملاقات با کیم «تحول تاریخی» بیافریند. آیا کره‌شمالی حاضر است به ناگاه از همه این داشته‌هایش صرف‌نظر کند؟ نوشته‌اند: دربارہ دلایل چرخش کیم جونگ اون به‌عنوان رهبر بلانماز کره‌شمالی و کسی که تقریبا تمام رقبای خود را از سر راه برداشته و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری که در مدت کمی بیش از یک سال از زمان ورود به کاخ سفید در چند مرحله با تصمیمات شگفتی‌ساز بر همه پیش‌بینی‌ها خط بطلان کشیده،

توضیح: اولاً کدام چرخش در کیم جونگ اون؟ اگر منظور آمادگی برای ملاقات با ترامپ است، کیم در پیرش سال‌ها در پی چنین ملاقاتی بوده‌اند؛ چراکه به یک کشور منزوی امکان عرض اندام و کوس برابری‌زدن با یک آبرقدتر را می‌دهد. ثانياً سوابق ترامپ حاکی از پیش‌بینی ناپذیر بودن او نیست، تنها محدودی از تصمیمات ترامپ پیش‌بینی‌ناپذیر بوده، یکی همین تصمیم به ملاقات با کیم. چند اقدام شگفتی‌ساز دیگر را می‌توان ذکر کرد؟ تاکنون تشریح همه تصمیمات ترامپ پیش‌بینی‌کردنی و مطابق قول‌های انتخاباتی او و ناشی از اولویت او برای حفظ پایگاه رای شدید محافظه‌کارانه‌اش در داخل بوده است.

نوشته‌اند: می‌توان از نقش احتمالی دولت‌های منطقه شرق آسیا در تغییر روند سخخ گفت، با توجه به اینکه در صورت وقوع جنگ بین آمریکا و کره‌شمالی، قربانی اول آن کره‌جنوبی و ژاپن هستند، به نظر می‌رسد نقش این دو کشور در پرون‌رفت از بحران و سایه مخوف جنگ درخور تأمل باشد.

توضیح: «نقش احتمالی» و «درخور تأمل» چرا؟ موضوع روشن‌تر از این حرف‌هاست، رئیس‌جمهور فکلی کره‌جنوبی از حزب دموکراتیک است که از جمله «بر مبنای صلح با کره‌شمالی» در انتخابات می ۲۰۱۷ کمپین کرد و برنده شد. با توجه به این مهم توضیحات بعدی جایی ندارد. برعکس، ژاپن معتقد است که باید سیاست «حداکثر فشار» بر کره‌شمالی و عدم مذاکره با داماد که کیم از سلاح هسته‌ای صرف‌نظر نکرده، ادامه داد و بعد از اعلام خبر ملاقات، مجدداً بر ادامه فشار و «هسته‌ای‌دایی قابل راستی آزمایی و غیرقابل برگشت» تأکید کرد.

نوشته‌اند: احتلا چین نقشی محوری را در متقاعدکردن رهبر کره‌شمالی برای کنارگذاشتن جنگ لفظی و انتخاب مذاکره ایفا کرده است، چراکه اولاً این کشور بیشترین تأثیر را بر رهبری کره‌شمالی داشته و همچنین تنها منفذ حیات کره‌شمالی و معیشت حداقلی مردم این کشور است.

توضیح: توجه به صرف اینکه پیشنهاد ملاقات با ترامپ را کیم جونگ اون داده و او و پدرش و پدر بزرگش همواره خواستار امضای پیمان صلح و اعاده روابط دیپلماتیک با آمریکا بوده‌اند، موضوع فشار چین را منتفی می‌کند. روشن است که «بقا» مهم‌ترین هدف حکومت کره‌شمالی است. این امر لزوم پرداختن به نیاز چین به فشار بر کره‌شمالی و... .درای قانع‌کردن کیم به مذاکره را منتفی می‌کند. به‌علاوه، اولاً رابطه چین و کره‌شمالی به علت همراهی چین با تحریم‌های خوب نیست، ثانياً چین بیش از آنکه نگران رابطه اقتصادی‌اش با آمریکا باشد، نگران ازهم‌پاشیده‌شدن رژیم کیم و اعاده وحدت کره و تبدیل‌شدن آن به عرصه نفوذ آمریکا در مرزهایش و نیز نگران فروپاشی کره‌شمالی، گرسنگی و قحطی و سرازیرشدن ده‌ها میلیون کره‌ای به چین است. بنابراین چین به نوعی این وسط بنبذاری می‌کند و قطعا این‌طور نیست که فشار چین باعث تمایل کیم به ملاقات با ترامپ شده باشد.

نوشته‌اند: باید اعتراف کرد مسیری که ترامپ و کیم جونگ اون در آن گام نهاده‌اند، احتمالا باعث کاهش تنش و ایجاد فضایی جدید در این منطقه از جهان خواهد شد؛

توضیح: این حاکی از ساده‌کردن صورت‌مسئله و بی‌توجهی به پیچیدگی‌های موضوع است.

نوشته‌اند: پیش‌بینی می‌شود هرگونه تهاجم یا توافق کره‌شمالی، می‌تواند موضوع این کشور را در قبال ایران تحت‌تأثیر کشورهای یادشده سخت‌تر کند.

توضیح: چرا چنین است. آیا توضیحی لازم نیست داده شود که چرا نرم‌شدن در یک سو موجب سخت‌شدن در سوی دیگر می‌شود. نوشته‌اند: تحولات روابط کره‌شمالی و آمریکا، دلیل روشن دیگری بر درستی‌های هیافت مذاکرات ایران با کشورهای ۵+۱ و دستیابی به توافق هسته‌ای است. در شهریورماه سال جاری آن‌گلا مرکل، صدراعظم آلمان، در مصاحبه با روزنامه فرانکفورتر آلکمانیه تأکید کرد می‌توان برای حل بحران کره‌شمالی از برجام الگوبرداری کرد.

ادامه در صفحه ۶

شرق:؛ شورای عالی کار این روزها جلسات پایان سال خود را از سر گرفته و در تلاش است در روزهای باقی‌مانده تا پایان سال جاری حداقل دستمزد سال ۹۷ را مشخص کند. در آخرین گام، نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت بر سر رقم سید معیشت به توافق رسیده‌اند و در روزهای آینده با حضور وزرای کار، صنعت و اقتصاد درباره حداقل دستمزد سال آینده تصمیم خواهند گرفت.

زندگی چقدر خرج دارد؟

تعیین حداقل دستمزد در ایران از طریق مذاکره و توافق سه‌جانبه از سوی کارگران، کارفرمایان و دولت به انجام می‌رسد. در این مذاکرات نمایندگان کارگری سعی می‌کنند طرف مقابل را به قبول رقم بالاتری به‌عنوان حداقل دستمزد راضی کنند و نمایندگان کارفرمایی و دولت نیز تلاش می‌کنند بر سر رقم پایین‌تری با کارگران به توافق برسند. کارگانی که قواعد دنیای سرمایه را پذیرفته‌اند تعیین حداقل دستمزد را آخرین سنگر خود در برابر بازار آزاد می‌دانند و کارفرمایان نیز تلاش می‌کنند با کاهش دستمزد کارگران، سود خود از کسب‌وکار را به بالاترین حد ممکن افزایش دهند.

دراین‌بین، دولت به‌عنوان میانجی تلاش می‌کند تا تعادلی را که به نظرش مناسب است، بین دو طرف دیگر برقرار کند؛ تعادلی که هم نیروی کار را برای کارکردن زنده نگه دارد و هم خللی در کسب سود و پیشرفت کارفرمایان ایجاد نکند. دراین‌بین، یکی از مهم‌ترین معیارها برای تعیین حداقل دستمزد، توافق بر سر سید معیشت خانوار است. در این توافق نمایندگان سه گروه با هم به بحث می‌نشینند تا مشخص کنند هزینه زندگی یک کارگر و خانواده‌اش در ماه چقدر است؛ چقدر پول لازم است تا بتوانند غذا بخورند، لباس و کفش بخرند، اجاره مسکن بدهند و قبوض آب و برق و گازشان را پرداخت کنند. هزینه درمانشان را بدهند، از پس هزینه تحصیل فرزندانشان بربایند و هزینه‌هایی از این قبیل را بپردازند. امسال نمایندگان سه گروه روی رقم دو میلیون و ۶۶۹هزار و ۸۰۰ تومان برای هر ماه به توافق رسیده‌اند؛ یعنی دولت، کارفرمایان و کارگران موافقت کرده هر کارگر به‌طور متوسط برای اداره زندگی‌اش به این میزان دستمزد نیاز دارد. همین رقم است که میزان حداقل دستمزد کارگران را تعیین می‌کند و به کمک آن می‌توان مشخص کرد یک کارگر برای ادامه زندگی باید چقدر دستمزد بگیرد. باین‌حال علی‌رغم تعیین رقم سید معیشت، هرگز این رقم معیار حداقل دستمزد سالانه قرار نگرفته است و همه تلاش کارگران این است که بتوانند به شکل پلکانی حقوق خود را به این رقم برسانند تا بتوانند حداقل‌های یک زندگی آبرومندانه را تأمین کنند. علی خدایی، نماینده کارگران در جلسه شورای عالی کار، در گفت‌وگو با صداسیما، رقم خالص دریافتی یک کارگر در سال جاری با احتساب خانوار ۳،۳ نفری را یک میلیون و ۱۷۲هزار و ۶۶۰تومان اعلام کرده است و این یعنی شکاف بزرگی بین حقوق کارگران و حداقل رقم لازم برای زندگی معمولی وجود دارد؛ شکافی که خود را در آشفتنگی کارگران گرفتار اجاره خانه و لباس‌های هزاربارپوش، بزد و شرمندگی نزد اهالی خانواده نشان می‌دهد. از دیگر

اقتصاد

سه وزیر از کابینه در جلسات تعیین حداقل دستمزد حاضر می‌شوند

سایه سنگین دولت بر جلسات مزد



کارگران

می‌کنیم شامل نیازهای کارگران و البته توان صنایع ماست. می‌دانیم که وضعیت صنایع ما خوب نیست و ریزش‌هایی در صنایع کوچک و متوسط داشته‌ایم، به‌همین‌دلیل برای حل مشکلاتمان درخواست شد تا آخرین وضعیت صنایع و اقتصاد کشور در جلسه آتی شورای عالی کار با حضور وزرای اقتصاد و صنعت، معدن و تجارت بررسی شود. آه‌نی‌ها همچنین درباره میزان حداقل دستمزد می‌گویند: در چهار سال گذشته همواره افزایش حداقل دستمزد بیشتر از تورم بوده و توانسته‌ایم ۲۶ درصد مازاد بر تورم سالانه در چهار سال گذشته به حقوق‌ها بیفزاییم، بنابراین مسیر روبه‌جلو بوده، اما وضعیت صنعت مناسب نیست و نمی‌توان بیشتر از این از کارفرمایان انتظار داشت. امیدواریم دراین‌باره تصمیمی ملی گرفته شود و شکاف موجود که بیشتر در مسکن، درمان و آموزش است با همت دولت پر شود؛ اما این حق ماست و بر آن اصرار داریم. این شکاف بر نمی‌شود و افزایش دستمزد هم کمکی به پرکردن این شکاف نمی‌کند. نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار درباره رقم پیشنهادی کارفرمایان برای حداقل دستمزد سال آینده می‌گوید: برای جلوگیری از التهاب یا حواشی این رقم در جلسه شورای عالی کار مطرح خواهد شد.

زندگی آبرومندانه حق ماست

فرامرز توفیقی، مشاور کانون عالی شوراهای اسلامی کار و رئیس کمیته دستمزد، دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: ماده ۴۱ قانون کار به روشنی می‌گوید در هر شرایطی باید سید معیشت کارگران، فارغ از شغل، کار و شرایطی که وجود دارد، پرداخت شود. ما هم طبق قانون سید معیشتمان را برای یک

زندگی آبرومندانه و حداقلی می‌خواهیم. ما در این زمینه توافق داریم که دولت باید وظایفش را انجام دهد، اما هیچ سند بالادستی‌ای وجود ندارد که در این زمینه وظایف کارفرما و دولت را از هم تفکیک کرده باشد؛ برای مثال وقتی به مسکن اشاره می‌کنیم مسائلی مانند تعمیرات دوره‌ای مسکن، آب و برق و گاز و هزینه‌های مرتبط آن وجود دارد، همچنین درباره بحث درمان قسمتی از هزینه‌ها یقیناً بر عهده کارفرما قرار دارد یا در زمینه تحصیل، تنها آموزش رایگان مطرح نیست و هزینه‌هایی مانند سرویس مدرسه یا لوازم‌التحریر و حداقل‌هایی مانند لباس مدرسه وجود دارد که تأمین آن با درآمدی صورت می‌گیرد که کارفرما باید بر عهده بگیرد، باین‌حال ما طبق ماده ۴۱ قانون کار سید معیشت کارگران را می‌خواهیم و اینکه چه سهمی از آن بر عهده کارفرما یا دولت است، مسئله اصلی ما نیست، بلکه این حق ماست و بر آن اصرار داریم. توفیقی درباره اینکه آیا رسیدن رقم حداقل دستمزد به سید معیشت به‌صورت یکباره ممکن است یا نه می‌گوید: ما هم در همین کشور زندگی می‌کنیم و می‌دانیم که رسیدن به رقم سید معیشت به‌صورت یکباره امکان‌پذیر نیست، اما باید نقشه راه مشخص شود، بگویم ما در نقطه «الف» هستیم و می‌خواهیم با این روش در این مدت به نقطه «ب» برسیم. رئیس کمیته دستمزد درباره حضور وزرای صنعت و اقتصاد در جلسه شورای عالی کار نیز می‌گوید: قانون به وزیر کار اجازه داده تا در نفر از اهل بصیرت و خبره را به جلسات دعوت کند و وزرای صنعت، معدن و تجارت و کار نیز به همین منظور در شورای عالی کار حاضر شوند. ما هم طبق قانون سید معیشتمان را برای یک

شک در درازمدت منافع این قشر را تأمین نخواهد کرد.

باوجوداین، صدید بدری، سخنگوی کمیسیون عمران مجلس، در جلسه استیضاح دیروز، سکادر، وزارتخانه متولی تولید را متهم کرد که برای افزایش سقف خریدهای تضمینی محصولات کشاورزی و دامداری اقدام مناسبی انجام نداده و برای بازاررسانی این محصولات اقدام درخور و شایسته‌ای نداشته است. او در بخش‌های دیگری از سخنان خود هم بر افزایش حجم خریدهای تضمینی محصولات کشاورزی تأکید کرده، اما نکته اینجاست که دولت در زمینه پرداخت پول خرید تضمینی گندم به‌عنوان یک محصول استراتژیک هم گاهی با مشکل مواجه می‌شود و مطالبات کشاورزان را با دیرکرد پرداخت می‌کند. بنابراین به‌جای اینکه با فشارآوردن به وزیر جهاد کشاورزی، تلاش کنیم حجم خرید تضمینی و توافقی در بخش کشاورزی را افزایش دهیم و معیشت کشاورزان را به پول حاصل از فروش نفت کره بزنیم، باید تلاش کنیم تا با استفاده مناسب از بخش خصوصی و حذف دولت از بازار محصولات کشاورزی، فضای مناسب‌تری برای زندگی کشاورزان و دریافت مطالبات آنها فراهم کنیم. مصداق باز این گفته، اعتراض نادر قاضی‌پور به وزیر جهاد کشاورزی است که تأکید دارد: چرا قیمت خرید تضمینی گندم تاکنون مشخص نشده است و در این ناهماهنگی حتی را مسئول می‌دانم.

واقعیت این است که اگر خرید تضمینی محصولات کشاورزی به یک عادت برای کشاورزان تبدیل شود و به هر دلیلی دولت نتواند قیمت خرید تضمینی را به‌موقع به کشاورزان اعلام کند، احتمال تغییر کشت در اراضی کشاورزی تقویت شده و ممکن است به‌یک‌باره حجم تولید برخی محصولات استراتژیک کشور به‌شدت کاهش یابد و ایران محتاج واردات شود. بی‌نظمی در تولید، بازار را هم دچار اختلال جدی خواهد کرد و باعث شکسته‌شدن قیمت محصولات مازاد می‌شود.

صادرات محصولات کشاورزی نیازمند احتیاط

علی وقف‌چی، عضو کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس شورای اسلامی، نیز در جلسه دیروز از نداشتن استراتژی برای صادرات محصولات کشاورزی گله کرد. وقف‌چی در حالی خواستار صادراتمحورکردن بخش کشاورزی است که در بخش دیگری از سخنان خود به بحران آب اشاره می‌کند. کشاوری که با اتکا بر منابع آب زیرزمینی مواد غذایی مورد نیاز خود را تأمین می‌کند، باید در حوزه صادرات محصولات کشاورزی دست‌به‌عصا‌تر از سایر کشورها گام بردارد. از سوی دیگر صادرات محصولات کشاورزی اقدامی نیست که صرفاً از عهده وزارت جهاد کشاورزی به‌تنهایی بریاید، بلکه باید وزارت امور خارجه از طریق رایزن‌های خارجی، بستر مناسب برای حضور محصولات کشاورزی ایران در بازارهای جهانی را فراهم کند.

یادداشت

عقاید لیست، راهکاری مناسب برای تقویت صنعت ملی

امید یعقوب‌ن‌زاده، پژوهشگر تاریخ اروپا

● فردریک لیست (۱۸۴۰-۱۷۸۹) در آلمان چشم به جهان گشود و از بنیان‌گذاران مکتبی تاریخی بود که واکنشی آلمانی به مکتب کلاسیک آدام اسمیت انگلیسی در علم اقتصاد تلقی می‌شد. عقاید لیست را می‌توان به‌نوعی بیان درخواست‌ها و مسائل اقتصادی ایالات آلمانی دانست. توضیح آنکه در زمان حیات لیست هنوز کشور آلمان شکل نگرفته بود و این کشور شامل چندین ایالت خودمختار بود. او از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین متفکرانی بود که نظریات خود را درباره لزوم تشکیل یک دولت قدرتمند آلمانی و اتحاد ایالات آلمانی مطرح کرد و نقل شده که بیسمارک، صدراعظم معروف آلمانی که موفق به تشکیل کشور آلمان شد، همواره یک نسخه از کتاب لیست را روی میز دفتر خود داشت. اساس استدلال فردریک لیست برای تشکیل یک دولت قدرتمند آلمانی، اقتصادی بود و برای تأیید نظر و ادعای خود از فکت‌ها و شواهد تاریخ اقتصادی کشورهای اروپایی استفاده می‌کرد؛ اما بهتر است پیش از آنکه به بررسی علت لزوم توجه به نظریات یک متفکر آلمانی در قرن بیستم برای ایران کنونی بپردازیم، با اندیشه‌ها و اصول کلی نظریات لیست آشنایی پیدا کنیم.

لیست، اقتصاددان ملی‌گرا

هسته اصلی نظریات لیست بر پایه حمایت یک دولت مرکزی قدرتمند از صنایع کشور و بخش خصوصی به منظور قدرت‌بخشیدن به اقتصاد ملی و جلوگیری از ورود اجناس و کالاهای صنعتی به کشور برای تقویت و کمک به صنایع داخلی قرار داشت. لیست منتقد سرسخت نظریات آدام اسمیت و اقتصاد کلاسیک مبنی بر تجارت آزاد جهانی و یک میهن‌دوست بود که مسئله اساسی او را باید افزایش قدرت کشور آلمان دانست؛ اما باید توجه داشت که لیست اساساً یک سوسیالیست یا مخالف کلی بازار آزاد نبود. در حقیقت او با آدام اسمیت و بازار آزاد جهانی شرایط نابرابر انگلیس از لحاظ اقتصادی و صنعتی با بقیه کشورها ازجمله آلمان بود. بنا بر نظر لیست کشورهایی مانند آلمان (قبل از تشکیل دولت مطلقه) به‌این‌دلیل که نتوانسته‌اند از لحاظ صنعتی به اندازه مقبولی پیشرفت کنند، نباید وارد رقابت اقتصادی برابر با کشورهای مانند انگلیس بشوند که از لحاظ اقتصادی و صنعتی سال‌ها از آنها جلوتر و پیشرفته‌تر بود. لیست معتقد بود که یک دولت مرکزی قدرتمند باید شکل بگیرد تا از طرفی با وضع تعرفه‌های گمرکی مانع از ورود اجناس ارزان‌قیمت انگلیسی به آلمان شود و از طرف دیگر با حمایت از صنایع داخلی، موجبات رشد و شکوفایی و استقلال صنعت داخلی را فراهم کند.

مسئله اساسی لیست صنعتی‌شدن کشور آلمان و افزایش قدرت ملی بود و با بررسی تاریخ کشورهایی مانند فرانسه و انگلیس، سعی در نشان‌دادن نقش دولت در شکل‌گیری قدرت صنعتی این دو کشور داشت. هم‌طور که گفته شد، لیست مخالف تجارت آزاد نبود و حتی به دلیل رشد محصولات کشاورزی در آلمان، با تجارت آزاد محصولات کشاورزی موافق بود؛ اما تجارت آزاد در کالاهای صنعتی را منوط به زمانی می‌دانست که صنعت آلمان به حدی از رشد و پیشرفت رسیده باشد که توانایی رقابت با کالاهای خارجی (به‌ویژه انگلیسی) را داشته‌باشد. او معتقد بود که از لحاظ رشد اقتصادی کشورهای اروپایی در مراحل مختلفی قرار دارند (به‌عنوان مثال براساس مراحل تاریخی که او برای کشورها برمی‌شمرد، کشورهایی مانند آلمان و آمریکا در مرحله کشاورزی-صنعتی قرار دارند و تنها کشوری که در مرحله کشاورزی-صنعتی-بازرگانی قرار دارد، کشور انگلیس است). از نظر او کشور انگلیس به دلیل رشدی که بعد از انقلاب صنعتی تجربه کرده است، از لحاظ سطح رشد اقتصادی و صنعتی در صدر کشورهای جهان قرار دارد و آلمان هنوز یک مرحله از انگلیس عقب‌تر است. او تنها راه گذار از این مرحله تاریخی که آلمان در آن قرار داشت و رسیدن به انگلیس را به کمک یک دولت کارآمد و قدرتمند میسر می‌دانست.

وظایف دولت از نظر فردریک لیست

لیست برای تحقق اهداف اقتصادی خود، وظایفی برای دولت ایده‌آلی خود (که متأسفانه نتوانست در حیات خود شاهد آن باشد) برشمرد که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم:
۱. حمایت گمرکی دولت از صنایع داخلی،
۲. هماهنگی رشد اقتصادی بین کشاورزی و صنعت،
۳. تعلیم و تربیت مناسب،
۴. افزایش رفاه اجتماعی از طریق ارتقای بهداشت و فرهنگ،
۵. ارتقای سطح زندگی مردم،
۶. برقراری نظم و امنیت،
۷. ایجاد شبکه حمل‌ونقل، هرچند خود فردریک لیست اشاره مشخصی به مدت حضور و نقش دولت در اقتصاد نکرده است؛ اما با توجه به روند تاریخی‌ای که خود اشاره کرده و در تاریخ اروپا می‌توان مشاهده کرد، به نظر نمی‌رسد که لیست موافق حضور دائم دولت در جریان اقتصاد بوده باشد؛ اما اهمیت این عقاید برای شرایط کنونی کشور ما در چیست؟

عقاید لیست، راهکاری مناسب برای تقویت صنعت ملی

اهمیت عقاید لیست در شرایط کنونی را می‌توان از دو بُعد مورد توجه قرار داد.

ادامه در صفحه ۵